

تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری، بازفت، استان چهارمحال و بختیاری (بخش دوم)

حجت‌اله خدری غریب‌وند* - استادیار گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
پژمان طهماسبی کهیانی - دانشیار، گروه مهندسی طبیعت دانشگاه شهرکرد، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
الهام قهساره اردستانی - استادیار، گروه مهندسی طبیعت دانشگاه شهرکرد، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
حسین بدری‌پور - معاون مدیرکل روابط عمومی و روابط بین الملل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، تهران، ایران.
اسماعیل اسدی - دانشیار، گروه مهندسی طبیعت دانشگاه شهرکرد، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۵ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۸ تیر ۱۴۰۱

چکیده

مقدمه: مروری تاریخی بر سیر تحول تغییرات جمعیتی و معیشتی بهره‌برداران مرتعی می‌تواند به شناخت بهتر راهبردها و گزینه‌های معیشتی مطلوب کمک کند و در راستای بهبود وضعیت مرتع و گذر از بحران‌ها و چالش‌های فراروی مدیریت پایدار مراتع، چارچوب‌های سیاست‌گذاری قابل اجرا ارائه دهد.
هدف پژوهش: چهار محور اصلی در راستای تغییرات جمعیتی و وضعیت معیشت‌های وابسته به مراتع مورد بررسی قرار می‌گیرند. ابتدا یک ارزیابی تاریخی از تغییرات جمعیتی ارائه می‌شود (۱). به دنبال آن، نظام‌های تولید دام و دامداری تشریح می‌شوند (۲). سپس وضعیت معیشت‌های وابسته به مرتع در ایران تبیین می‌شود (۳). در نهایت، ضمن ارائه چشم‌انداز معیشتی در استان چهارمحال و بختیاری و بطور خاص بازفت- پیشنهادانی در راستای مدیریت پایدار مراتع ارائه می‌شود (۴).

روش‌شناسی تحقیق: این مقاله با مروری بر منابع مرتبط در زمینه‌ی تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران، داده‌ها و اطلاعات دوره‌های تاریخی را تجزیه و تحلیل می‌کند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر ارزیابی تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی، براساس مطالعه مروری و بهره‌گیری از منابع و اسناد و مدارک در مقیاس ایران می‌باشد.

یافته‌ها و بحث: نتایج جمع‌بندی و مرور منابع، نشان می‌دهد عدم تعادل بین انسان، دام و مرتع و کاهش سهم محصولات دامی از چالش‌های عمده مدیریت پایدار مرتع در ایران می‌باشند.

نتایج: در این راستا، تاکید شده است مدیریت پایدار مراتع در صورتی تحقق خواهد یافت که ضمن حفظ تعادل دام، مرتع و انسان تنوعی از معیشت به منظور توسعه معیشت‌های تکمیلی بهره‌برداران، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شوند. مطالعات آینده می‌توانند به تبیین کاستی‌ها و ضعف‌های (نواقص) سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت پایدار مراتع بپردازند و به دنبال آن چارچوب‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر معیشت‌های پایدار توسعه دهند.

کلیدواژه‌ها: مرتع، معیشت پایدار، سیاست‌گذاری، توسعه پایدار منطقه‌ای، چهارمحال و بختیاری، بازفت.

مقدمه

اکوسیستم‌های مرتعی دامنه وسیعی از کالاها و خدمات را برای بشر فراهم می‌سازند و نقش کلیدی در تامین، حفظ و نگهداری آن‌ها ایفا می‌کنند. این مناطق در طول تاریخ حیات و تکامل کره زمین، کارکردها و خدمات اکوسیستمی متنوعی به موجودات زنده از جمله انسان ارائه داده‌اند. به طوری که از دیرباز زیستگاهی برای بهره‌برداران مرتعی، دام‌های اهلی، حیات‌وحش و تنوعی از گونه‌های گیاهی را فراهم کرده‌اند. بهره‌برداران مرتعی از جمله دامداران و عشایر به طور مستقیم از خدمات این اکوسیستم‌ها بهره برده و معیشت خود را تأمین کرده‌اند (Boone et al., 2011).

علاوه بر این، به طور سنتی، بهره‌برداران مرتعی که عمدتاً دامداران (عشایر و گله‌داران) می‌باشند با شرایط محیطی بسیار متغیر و نامطمئن و طبیعت سخت و خشن این اکوسیستم‌ها سازگار شده و طیف وسیعی از راهبردهای انعطاف‌پذیر و سازگار با شرایط را توسعه داده‌اند (Klein et al., 2011). زندگی عشایر مبتنی بر کوچ مستمر به منظور تامین علوفه دام از مراتع و دسترسی به شرایط مساعد آب و هوایی مناسب است. این روش زندگی دارای سابقه طولانی در ایران است که متناسب با شرایط اقلیمی شکل گرفته است. در سده اخیر، تحولات زیادی در شیوه زندگی سنتی عشایر به وجود آمده است؛ به نحوی که عشایر کارکرد گذشته خود را از دست داده‌اند. از جمله این تحولات می‌توان به تغییر زمان جابجایی و کوچ عشایر اشاره کرد که اغلب به ورود زود هنگام دام به مرتع و تخریب آن می‌انجامد (عابدی سروستانی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، سایر عوامل همچون دسترسی به بازارها، یا مسائل اجتماعی مانند تعارضات، ارائه خدمات مانند آموزش، بهداشت نیز در تحرک و جابجایی عشایر موثر است. بنابراین می‌توان استدلال کرد سیستم مدیریت سنتی از طریق راهبردهای تطبیقی و رعایت اصول پایداری مرتع، ضمن تامین رفاه و معیشت ساکنان مراتع، تاب‌آوری این نظام مدیریتی را نیز تضمین کرده است (Khedrigharibvand, 2018).

تنوع نظام‌های مدیریتی و بهره‌برداری مراتع متأثر از تفاوت‌های فرهنگی و قومی گروه‌های دامدار و جوامع محلی و دسترسی آن‌ها به دارایی‌های معیشتی می‌باشد. در میان آن‌ها، گروه‌هایی وجود دارند که برای تامین معاش خود کاملاً به دام وابسته می‌باشند تا گروه‌هایی که از طریق سیستم‌های تلفیقی دامداری و کشاورزی معاش خود را تامین می‌کنند (FAO, 2001). در برخی موارد، تنوع درآمدی از منابعی بی‌ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی، نقش بارزی در تامین معیشت خانوار دامدار دارد. به عنوان مثال، در بخش‌های از ماسایی‌لند کنیا، تنوع درآمدی و کمک‌های نقدی تا بیش از ۵۰ درصد از درآمد خانوارها را تامین می‌کند (Nkedianye et al., 2008). سیستم‌های دامداری و تلفیقی کشاورزی-دامداری در سرتاسر جهان دستخوش تغییرات بی‌سابقه‌ای شده‌اند و همراه با منحصربه‌فرد بودن چنین سیستم‌هایی، چالش‌های عمده‌ای ایجاد می‌کنند، بطوریکه پژوهش‌های تک بعدی نمی‌تواند پاسخگوی چنین چالش‌هایی باشند. با عنایت به تغییر نقش‌های خدماتی چندگانه اکوسیستم‌های مرتعی به منظور تأثیر مثبت بر معیشت و محیط زیست لازم است پژوهش‌ها به نحوی هدایت شوند که پاسخگوی چالش‌ها، مشکلات و تحولات در جهان در حال تغییر باشند.

تغییرات و چالش‌های ایجاد شده در طی بیش از نیم‌قرن گذشته، زوال نظام‌های سنتی مدیریت مرتع را تسریع و تشدید کرده‌اند (Bedunah and Angerer, 2012). تغییرات اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اکولوژیکی و اقلیمی، همراه با تغییرات در نظام‌های مدیریت سنتی و مداخلات توسعه، راهبردهای مناسب مدیریت پایدار مراتع و گزینه‌های معیشتی مناسب را مختل کرده است. رشد جمعیت، ضمن ایجاد تقاضای بیشتر برای غذا و منابع، افزایش تعداد دام‌ها، بر ظرفیت، و تغییر کاربری و کاهش سطح مراتع منجر به تخریب مراتع و به دنبال آن، تشدید آسیب‌پذیری معیشت بهره‌برداران مرتعی می‌گردد. با این وجود، در صورت تخریب مراتع و آسیب‌پذیری معیشت، دستیابی به مدیریت پایدار مراتع، بهره‌وری بلندمدت مراتع و تضمین معیشت بهره‌برداران غیرممکن است (Khedrigharibvand et al., 2015): بنابراین، برای دستیابی به دیدگاهی جامع در زمینه‌ی مدیریت پایدار مراتع، جلوگیری از تخریب مراتع و حمایت از معیشت بهره‌برداران مرتعی، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر چه برخی از مطالعات تلاش کرده‌اند به این دغدغه پاسخ دهند تحقیقات اندکی روند تاریخی جمعیت و معیشت بهره‌برداران مرتعی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در پس تحولات تاریخی در زمینه‌ی جمعیت و معیشت بهره‌برداران مرتعی ممکن است هنوز، کاستی‌ها، اشتباهات راهبردی و نواقص سیاست‌گذاری وجود داشته باشد که تبیین آنها می‌تواند به فهم موضوع کمک کند، مروری بر سیر تاریخی تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی می‌تواند گزینه‌های معیشتی مطلوب را شناسایی کند و در راستای بهبود وضعیت مرتع و گذر از بحران‌ها و چالش‌های مدیریت پایدار مراتع، چارچوب‌های سیاست‌گذاری قابل‌اجرا ارائه دهد. این مقاله، پس از ارائه مقدمه کوتاه، در راستای تغییرات جمعیتی و وضعیت معیشت‌های وابسته به مراتع، چهار محور اصلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ابتدا ارزیابی تاریخی تحولات جمعیتی ارائه می‌شود (۱). به دنبال

آن، نظام‌های تولید دام تشریح می‌شوند (۲). سپس تحولات معیشتی بهره‌برداران (وضعیت معیشت‌های وابسته به مرتع) در ایران تبیین می‌شود (۳) و در نهایت ضمن ارائه چشم‌انداز معیشتی در استان چهارمحال و بختیاری بویژه منطقه بازفت پیشنهاداتی در راستای مدیریت پایدار مراتع ارائه می‌شود (۴).

تغییرات جمعیتی در ایران

- تغییرات جمعیتی روستایی

براساس گزارشی، در سال ۱۹۳۰ میلادی هنگامی که جمعیت ایران حدود ۱۳ میلیون بود، ۸۰ درصد آن در مناطق روستایی زندگی می‌کردند (Amiraslani and Dragovich, 2011). در زمان اولین آمار ملی در سال ۱۹۵۶ تقریباً ۷۰ درصد (۱۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) از ۱۹ میلیون نفر جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کردند (Azkia and Hooglund 2011). از سال ۱۹۵۶ جمعیت شهری ایران در مقابل جمعیت روستایی رو به افزایش بود و دلیل عمده این افزایش جمعیت، مهاجرت افراد از روستا به شهر نسبت داده شد (Azkia and Hooglund 2011). از ابتدای قرن ۲۱ در سال ۲۰۰۱ جمعیت به حدود ۶۰ میلیون نفر افزایش یافت که فقط ۳۴ درصد آن متعلق به مناطق روستایی بود (Amiraslani and Dragovich, 2011). علی‌رغم کاهش جمعیت روستایی؛ در سال ۱۹۷۸ جمعیت ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، در سال ۱۹۹۶ به ۲۳ میلیون نفر افزایش و در سال ۲۰۰۶ به ۲۲ میلیون نفر کاهش یافت (Azkia, 2011). جمعیت روستایی به عنوان درصدی از کل جمعیت بطور تدریجی کاهش پیدا کرده است. از ۶۲ درصد در سال ۱۹۵۶، به ۵۳ درصد در سال ۱۹۷۶، ۴۶ درصد در سال ۱۹۸۶، ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۶، ۳۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۶ و در نهایت به ۲۶/۶ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافت. این تغییرات جمعیتی همراه با تغییرات توسعه‌ای و تحول اجتماعی و اقتصادی فشار مضاعفی بر منابع طبیعی از جمله آب، خاک و پوشش گیاهی وارد کرده است و همه این‌ها باعث افزایش دام در مراتع و در نهایت موجب تاثیر منفی بر آب، خاک و پوشش گیاهی و تخریب جنگل‌ها و مراتع شده است.

- تغییرات جمعیتی عشایری

عمری به درازای تاریخ، جمعیت‌های دامدار عشایری، تعادل پایداری با منابع طبیعی برقرار کرده‌اند و همواره به این منابع وابسته بودند. با این وجود برخی از عوامل و اثرات بیرونی این تعادل را از هم گسیختند. در ابتدای قرن ۲۰ میلادی حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران عشایر بودند که تقریباً ۴۰ درصد در مناطق روستایی و مابقی در شهرک‌ها اسکان داشته‌اند (Khedrigharibvand 2018). صنعتی شدن و سیستم کشاورزی در ابتدای سال ۱۹۲۰ میلادی بطور عمده‌ای افزایش پیدا کرد که منجر به کاهش زندگی عشایری و افزایش شیوه زندگی در قالب یکجانشینی گردید (CENESTA, 2003; 2004). اگرچه تخمین‌های حاصل از منابع و آمار مستند و دقیقی از تعداد خانوارها و جمعیت در دامداری نیمه‌کوچنده (عشایری) و دامداری ساکن در سوابق تاریخی در دوره‌های مختلف وجود ندارد، با این وجود بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که دامداران کوچنده عشایر حدود ۳۸/۶ درصد از کل جمعیت در ۱۵۰ سال پیش را تشکیل می‌دادند (معادل ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر). جوامع کوچنده ایران در سرشماری ۱۳۸۷ حدود ۱/۶۸ درصد (۱ میلیون و ۱۸۰ هزار نفر) از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. اگرچه نسبت دامداران به کل جمعیت از حدود ۳۸/۶ درصد در ۱۵۰ سال پیش کاهش یافته است، سطح مطلق کل جمعیت تقریباً ثابت مانده است (اکبری و میزبان، ۲۰۰۴؛ سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴؛ مرکز آمار ایران ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷). با توجه به جدول ۱، از آنجایی که تلاش‌های فشرده‌ای برای اسکان و یکجانشینی دامداران در حال انجام است به نظر می‌رسد جمعیت آن‌ها طی سال‌های آینده روندی کاهشی داشته باشد.

جدول ۱. روند جمعیت عشایر دامدار طی ۱۵۰ سال اخیر (از ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۷)

منبع	سال		جمعیت (۱۰۰۰ نفر)		سهم عشایر از کل جمعیت (%)
	شمسی	میلادی	کل	عشایر	
منابع تاریخی	۱۲۴۵	۱۸۶۶	۴۴۰۰	۱۷۰۰	۳۸/۶
	۱۲۶۳	۱۸۶۴	۷۶۵۴	۱۹۱۰	۲۴/۹
	۱۲۷۸	۱۸۹۹	۹۳۳۲	۲۱۳۸	۲۲/۹
	۱۳۰۲	۱۹۲۳	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰
	۱۳۱۸	۱۹۳۹	۱۵۰۹۰	۳۱۰۰	۲۰/۵
	۱۳۴۲	۱۹۶۳	۲۱۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵
مرکز آمار ایران	۱۳۴۵	۱۹۶۶	۲۵۷۸۹	۲۵۰۰	۹/۶
	۱۳۵۰	۱۹۷۱	۳۰۰۰۲	۸۰۰	۲/۷
	۱۳۵۳	۱۹۷۴	۳۱۹۵۱	۸۷۷	۲/۷
	۱۳۵۴	۱۹۷۵	۳۲۸۱۸	۲۴۱۰	۷/۲
	۱۳۵۵	۱۹۷۶	۳۳۷۰۰	۲۴۰۰	۷
	۱۳۶۶	۱۹۸۷	۴۹۴۴۵	۱۱۵۲	۲/۳
	۱۳۷۷	۱۹۹۸	۶۲۴۳۲	۱۳۰۴	۱/۲
	۱۳۸۷	۲۰۰۸	۷۰۴۷۲,۸	۱۱۸۶,۴	۱/۶۸

منبع: (اکبری و میزبان، ۲۰۰۴؛ سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴؛ مرکز آمار ایران ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)

در آغاز قرن بیستم تقریباً ۳۳ درصد از جمعیت ایران عشایر و تقریباً ۴۰ درصد در روستاها (در مجموع دامداران روستایی و عشایر بیش از ۷۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل دادند) و بقیه در شهرها زندگی می‌کردند؛ اما از ابتدای دهه ۱۳۰۰، صنعتی شدن و نظام‌های کشاورزی به طور چشمگیری افزایش یافت که منجر به کاهش زندگی کوچندگی عشایری مردم شد و زمینه را برای افزایش جمعیت در روستاها و شهرها فراهم کرد (Khedrigharibvand, 2018). با وجود مشکلات اقتصادی موجود، جوامع دامدار (عشایر و غیرعشایر) حدود یک سوم نیاز کشور به محصولات دامی را تولید می‌کنند. مطالعات بین‌المللی گزارش داده‌اند نظام‌های عشایری کوچندگی (گسترده یا متحرک) در اراضی خشک ۲ تا ۱۰ برابر بیشتر از نظام‌های تولید دامداری ساکن، سود اقتصادی در هر هکتار تولید می‌کنند (Weibel, 2010).

از دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰ میلادی)، در پاسخ به تغییرات در سیاست‌های توسعه عشایری و افزایش جمعیت انسانی، جمعیت عشایر کوچنده بطور تدریجی با جمعیت نیمه‌کوچنده و اسکان‌یافته (یکجانشین) جایگزین شده است. به عبارت دیگر دامداری عشایری از دهه ۱۳۴۰ شمسی در ایران در واکنش به تغییرات سیاست توسعه دامداری و همچنین افزایش جمعیت انسانی، به طور پیوسته جای خود را به دامداری نیمه‌ساکن (نیمه‌ثابت) و دامداری ساکن داده است. بعلاوه، دامداری کوچندگی و نیمه‌کوچندگی (نیمه‌ساکن) در پاسخ به سیاست به اسکان عشایر و همچنین سایر تغییرات جهانی و اجتماعی-اقتصادی، جای خود را به دامداری ساکن داده است. اخیراً نیز در پاسخ به سیاست‌های اسکان و سایر تغییرات اجتماعی و اقتصادی و جهانی نیز عشایر کوچنده و نیمه‌کوچنده با عشایر یا دامداران ساکن در حال جایگزینی هستند (Khedrigharibvand, 2018).

ارزیابی کلی نظام‌های تولید دام

در سطح جهانی، نظام‌های تولید دام به طرق مختلف طبقه‌بندی شده‌اند. در زمینه‌ی ایران، (Badripour et al (2006) نظام‌های تولید دام را به نظام‌های متحرک، نیمه‌متحرک (نیمه‌ساکن)، رمه‌گردانی، نظام‌های کشاورزی (زراعت) مختلط نیمه‌متحرک (نیمه‌ساکن) یا شبانی ساکن یا آگروپستورالیسم و نظام‌های تولید دام صنعتی طبقه‌بندی کردند. در این مقاله براساس تحرک و وابستگی به مراتع به عنوان منبع اصلی خوراک دام، دو سیستم اصلی تولید دام یعنی تولید دام گسترده و فشرده در بافت ایران شناسایی شده است. نظام‌های گسترده مربوط به دامداری معیشتی از جمله نظام‌های دامداری کوچندگی، رمه‌گردانی و نیمه‌کوچندگی است. نظام‌های تولید فشرده به دامداری ساکن یا نظام‌های ساکن

(ثابت، زراعت مختلط) و نظام‌های تولید دام صنعتی مرتبط می‌شوند. در این دیدگاه، دامداری به عنوان سیستم تولید دام مبتنی بر بهره‌برداری از مراتع، به نظام تولیدی اطلاق می‌شود که مقدار قابل توجهی از تولیدات خود را به دام متکی است؛ در ادامه به انواع نظام‌های تولید دام پرداخته شده است.

– نظام‌های تولید دام گسترده

نظام‌های تولید گسترده دام در درجه اول به منابع مرتعی و دام‌های چراکننده وابسته هستند. این نظام‌ها تأثیر زیادی بر بهره‌وری و کیفیت پوشش گیاهی و تنوع زیستی در سطح چشم‌انداز دارند (Bernues et al., 2005). تعریف این نظام‌های تولید دام به این نحو ذکر شده است که ۵۰ درصد یا بیشتر از درآمد ناخالص خانوار (کل ارزش تولید در بازار به اضافه ارزش تخمینی تولید معیشتی مصرف شده در خانوار) از دامداری یا فعالیت‌های مرتبط با دام به دست آید، یا در جایی که بیش از ۱۵ درصد انرژی مصرفی غذای خانوار را شیر و فرآورده‌های شیر تولید شده توسط خانوار تشکیل می‌دهد (Badripour et al., 2006; Weibel, 2010). در ادامه به دو زیر سیستم مهم در این طبقه‌بندی شامل نظام‌های تولید کوچندگی و رمه‌گردانی پرداخته می‌شود.

نظام‌های دامداری کوچندگی

دامداران عشایری به دلیل نیاز به حفظ منبع امرارمعاش خود، یعنی دام، مجبور به مهاجرت دائمی هستند. هدف اصلی آن‌ها تأمین غذای کافی برای تغذیه خانواده و حفظ ذخایر کافی برای استفاده در سال‌های خشکسالی است. دامداری عشایری در خالص‌ترین جلوه خود با عدم وجود کشت حتی به عنوان درآمد تکمیلی شناسایی می‌شوند. دامداری عشایری اساساً بر محور تولید دام و بهره‌برداری از پوشش گیاهی طبیعی به عنوان علوفه استوار است. کوچ‌نشینی نیز به عنوان نوعی از دامداری تعریف می‌شود که در آن دامداران به دنبال آب و مراتع برای دام خود شرایط سخت و خشن طبیعت و نااطمینانی و عدم قطعیت را می‌پذیرند (FAO 2001). شیوه زندگی دامداری کوچندگی مبتنی بر حرکت دام و خانوارها بر پایه کوچ بین دو منطقه استوار است؛ به این معنا که عشایر در دو منطقه بیلاق و قشلاق در رفت‌وآمد هستند. عشایر در هر دو بخش با وجود شرایط نامناسب و سخت زندگی منتهی با اتخاذ راهبردهای تاب‌آوری تاحدی پایداری مرتع و معیشت خود را تضمین کرده‌اند. اغلب عشایر کوچنده با شرایط نامناسب در سطح معیشتی زندگی می‌کنند و محصولات آن‌ها به مصرف خانواده می‌رسد. به طوری که سهم این دسته از عشایر کوچنده با اقتصادی معیشتی در عرضه گوشت یا سایر فرآورده‌های دامی اندک است. اکثر دامداران عشایری در ایران، زندگی معیشتی وابسته به دام دارند.

نظام‌های تولید رمه‌گردانی

طبق تعریف رمه‌گردانی نوعی از دامداری است که در آن دامداران به طور منظم گله‌های خود را در دو یا چند مسیر و مدار چرای جدا از هم در طول یک سال در مراتع چرای می‌کنند (FAO 1987). گله‌ها به طور منظم بین نقاط ثابت مراتع فصلی در دسترس حرکت می‌کنند. از نظر فصلی، حرکات عمودی در مناطق کوهستانی نیز بدون تحرک خانوار است (Weibel, 2010). این نظام تولید دام از تنوع زمانی و مکانی مرتبط با تغییر معمولاً از فصول بارانی و خشک بهره می‌برد. در ایران، مهاجرت‌های سالانه از مراتع سرد کوهستانی به سمت دشت‌های گرم‌تر در ابتدای پاییز و با حرکت معکوس در بهار و با افزایش دما صورت می‌گیرد. در نظام تولید دام رمه‌گردانی، دو مرتع به یک خانواده اختصاص داده شده است، یکی در منطقه سردسیر و دیگری در منطقه گرمسیر، مسیر بین این مناطق ثابت است و حق چرای علوفه موجود در این مسیر برای دامداران محفوظ است و توسط کشاورزان و قبایل محلی به رسمیت شناخته شده است. نظام تولید رمه‌گردانی در ایران عمدتاً در رشته‌کوه‌های زاگرس جریان دارد. وجه تمایز بارز سیستم رمه‌گردانی با کوچندگی حضور خانوارهای دامدار است که در نظام رمه‌گردانی خانوارهای دامداران همراهی نمی‌کنند (Badripour et al., 2006; Weibel, 2010).

دامداری نیمه‌متحرک (نیمه ثابت)

دامداری نیمه‌متحرک به نوعی از نظام تولید دام گفته می‌شود که در آن دامداران در یک روستا مستقر می‌شوند و تعدادی دام دارند و همچنین حداقل در یک فصل از سال دام‌های خود را به مراتع دور از محل زندگی خود برای چرا انتقال می‌دهند. دامداران در این نظام سایر

منابع معیشت همچون باغات، مزارع و غیره دارند که معمولاً نسبت به دامداران متحرک کمتر به مراتع وابسته هستند (Badripour et al., 2006). در این نظام، بیش از ۵۰ درصد از درآمد ناخالص از کشاورزی و تنها ۱۰ تا ۵۰ درصد از معیشت مبتنی بر دام تأمین می‌شود (Weibel, 2010).

– نظام‌های تولید دام فشرده

نظام‌های تولید دام ساکن (ثابت، نظام‌های کشاورزی مختلط)

دامداران لزوماً متحرک یا نیمه‌متحرک نیستند. در نظام‌های تولید دام ساکن، دامداران کسانی هستند که می‌توانند کشاورز نیز باشند که یک سیستم کشت مبتنی بر کشاورزی مختلط با دام (نظام‌های کشاورزی- دامداری- دیم و آبی) را اعمال می‌کنند. در این نظام دامداری، دامداران همچنان ترجیح می‌دهند که دامدار باشند. در نظام‌های کشاورزی مختلط، دام سهم قابل توجهی از درآمد را شامل می‌شود، دام‌ها به طور قابل توجهی با بقایای محصول، علوفه و محصولات رشد یافته و یا آورده شده به مزرعه تغذیه می‌شوند. دامداری ساکن و یا ثابت یک سیستم رایج است و بیشتر توسط کشاورزان در سیستم کشاورزی مختلط حمایت می‌شود. دام برای حمایت از تولید محصول نگهداری می‌شود. دامداران در فصل چرای تابستانی از روستا به مراتع مشترک مجاور انتقال داده می‌شوند. بقایای گیاهی، علف‌های هرز، کلش گندم و جو از دیگر منابع خوراک دام هستند. یک گله معمولاً شامل بز و گوسفند است، در حالی که سیستم به طور کلی، شامل گوسفند، بز، گاو، الاغ و اسب است. اهمیت استفاده از منابع مرتعی، نظام‌های تولید دام را از کشاورزی – مرتعی تا کشاورزی مختلط طبقه‌بندی می‌کند. در این سیستم، گوشت دام خروجی عمده سیستم است، در حالی که شیر به طور مستقیم یا به صورت فرآوری شده عمدتاً به مصرف خانوار می‌رسد (Badripour et al., 2006; Weibel, 2010).

نظام‌های فشرده (وابستگی غیرمستقیم به اراضی مرتعی، تولید دام صنعتی)

دام‌پروری صنعتی یک سیستم متداول در سراسر جهان (همچنین در ایران) است که بیشتر برای تولید گوشت صورت می‌گیرد. دام‌های این نظام دامداری به دلیل نگهداری در واحدهای صنعتی و مجتمع‌های دامداری بزرگ در سراسر کشور، وابسته به مراتع نیستند (در نتیجه هیچ آسیبی به مراتع وارد نمی‌کنند). دام‌های پرورش‌یافته در این سیستم به مدت یک سال از واحدهای صنعتی یا مجتمع‌های دامداری خارج نمی‌شوند و کاملاً از علوفه کشت‌شده و مکمل‌ها و خوراک وارداتی تغذیه می‌شوند. گاو به عنوان دام بزرگ معمولاً در مجاورت شهرهایی نگهداری می‌شوند که به راحتی می‌توان به خدمات دامپزشکی، بهداشتی و بازاریابی دسترسی داشت (گاوداری). خروجی این نظام لبنیات و فرآورده‌های گوشتی است. در ایران تنها دام‌پرورشی در این سیستم گاوهای با جمعیت ۷۴۱۵۰۰ رأس می‌باشند که با در نظر گرفتن معادل واحد دامی آن (۹/۵) ۷۰۴۴۰۰۰ واحد دامی محاسبه می‌شود. در اینجا واحد دامی برای گوسفند ۴۵ کیلوگرمی تعریف می‌شود که به ۲۷۶/۵ کیلوگرم کل مواد مغذی قابل هضم (TDN) در سال نیاز دارد (جدول ۲) (Badripour et al., 2006).

جدول ۲. تولیدات انواع دام و وابستگی به مراتع براساس سال آماری ۱۳۸۷

دام	جمعیت وابسته به دام (هزار واحد دامی)	وابستگی به مرتع (%)	نیاز غذایی در طول مدت وابستگی (به مرتع هزار تن * TDN)	جمعیت وابسته به مرتع در طول ۷ ماه (هزار واحد دامی)
گوسفند روستایی	۴۱۰۰۰	۵۴	۶۱۲۱/۷۱	۳۸۳۶۰
گوسفند عشایر	۱۳۰۰۰	۷۰	۲۵۱۶/۱۵	۱۵۷۶۰
بز روستایی	۱۲۸۷۷/۵	۶۵	۲۳۱۴/۴۱	۱۴۵۰۰
بز عشایری	۶۴۴۰	۸۰	۱۴۲۴/۵۳	۸۹۳۰
گاو بومی روستایی	۱۲۵۸۸	۱۰	۳۴۸/۰۶	۲۱۸۰
شتر روستایی و عشایری	۷۸۶/۵	۹۰	۱۹۵/۷۲	۱۲۳۰
تک سمان روستایی و عشایری	۶۰۴۴/۵	۲۰	۳۳۴/۲۶	۲۰۹۰
کل	۹۲۷۳۶/۵	-	۱۳۲۵۴/۸۴	۸۳۰۵۰

*نیاز غذایی یک واحد دامی ۲۷۶/۵ کیلوگرم TDN (Badripour et al., 2006)

تحولات معیشتی (وضعیت فعلی معیشت) بر محور دام در ایران

در بیشتر کشورها از جمله ایران، بسیاری از دامدارانی که معمولاً در سطح معیشتی زندگی می‌کنند، از مراتع به‌عنوان منبع اصلی یا تنها منبع امرارمعاش خود استفاده می‌کنند (Badripour et al., 2006). بیش از ۹۰ درصد از مساحت ایران (۱۶۴۸۱۹۵ میلیون کیلومتر مربع) را اراضی خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهد. دام‌پروری شیوه زندگی و کاربری اراضی مناسب تنوع توپوگرافی اراضی خشک و نیمه‌خشک ایران است. بیشتر این اراضی مراتعی هستند که عمدتاً دامداران کوچنده (عشایری) ساکنند و تحت حفاظت و نگهداری و استفاده پایدار آن‌ها می‌باشند. جوامع کوچ‌نشین و عشایر دامدار، در مناطق قومی-کولوژیکی همواره نقش مهمی در تولید غذا با توسعه نظام‌های خلاق و پایدار برای استفاده از منابع طبیعی کمیاب ایفا کرده‌اند (CENESTA, 2003; 2004). برای سال‌های متمادی، جوامع شبانی تعادل پویایی را با منابع طبیعی که به آن وابسته هستند ایجاد کرده‌اند. با این حال، سایر تأثیرات خارجی، این تعادل را برهم زده‌اند.

براساس سرشماری ۱۳۸۵، تعداد خانوارهای دامدار در دامداری‌های کوچنده و نیمه‌کوچنده و دامداران ساکن حدود ۱۶۵۳۲۶۰ خانوار است، در حالی که ۹۱۶۰۰۰ خانوار وابسته به مراتع است. تعداد خانوارهای دامداری عشایری کوچنده حدود ۱۸۰۰۰۰ خانوار و ۱۴۷۳۲۶۰ خانوار دامدار روستایی که حدود ۷۳۶۰۰۰ خانوار نیمه‌کوچنده بودند درحالی‌که در روستا زندگی می‌کنند گاهی به مراتع دور از روستای خود نقل مکان می‌کنند. دام‌های خود را در مراتع می‌چرانند. مابقی خانوارهایی هستند که در روستا ساکن هستند حدود ۷۳۷۲۶۰ خانوار زندگی می‌کنند. با در نظر گرفتن وسعت اقتصادی مراتع (۵۳۶ هکتار مرتع و ۲۳۰ واحد دامی)، پیشنهاد شده است که تنها نیاز ۱۸۰۰۰۰ خانوار دامدار را در طول هفت ماه توسط مراتع تأمین می‌کند در حالی که ۹۱۶۰۰۰ خانوار دامدار در مراتع گزارش شده است (Badripour et al., 2006). اگر چه در دهه‌های گذشته برآوردی از دامداری نیمه‌کوچنده و ساکن خانوارهای دامدار انجام نشده است، اما سرشماری اخیر نشان داد که تعداد دامداری‌های ساکن بیشتر از دامداری‌های نیمه‌عشایری است. این روند از طریق سیاست‌های اسکان عشایر اجباری در زمان رضاشاه آغاز شده و با سیاست‌های «اصلاحات ارضی»، «ملی شدن» منابع طبیعی در دوره محمدرضاشاه پهلوی در دهه ۱۹۴۰ و پس از آن سیاست اسکان عشایر در جمهوری اسلامی سال‌های اخیر تشدید شده است.

براساس مطالعات اخیر (Khedrigharibvand, 2018; Khedrigharibvand et al., 2021) حدود ۷۸/۳۹ درصد از دامداران در سه نوع نظام تولید دام یا دامداری معادل ۷۱۸۲۳۶ خانوار، کمتر از ۵۰ واحد دامی دارند. سهم دامداران کوچنده؛ نیمه‌کوچنده و ساکن به ترتیب حدود ۴/۵۷ درصد، ۳۳/۲۶ درصد و ۴۰/۵۶ درصد است. تعداد کل خانوارهای دامدار با کمتر از ۵۰ واحد دامی در دامداری نیمه‌کوچنده و ساکن بیشتر از دامداران عشایر کوچنده گزارش شده است. این بدان معناست که اگر معیشت‌های مکمل تأمین نشود، از آنجایی‌که تحرک و به دنبال آن تنوع زیستی محدود است، ممکن است مورد تهدید قرار گیرد و بیش از همه دامداران عشایر در معرض خطر هستند. تنها ۰/۱۳ درصد خانوارهای دامدار عشایر کوچنده دارای بیش از ۵۰۰ رأس دام هستند. حتی اگر ۲۰۰ رأس دام به عنوان اندازه اقتصادی برای تأمین معیشت خانوارها در نظر گرفته شود، تنها ۱/۳۳ درصد از نظام‌های تولید دام از نظر معیشت دامداری پایدار هستند؛ همچون دامداران کوچنده و ساکن، هنوز در تعداد بیش از ۵۰۰ دام به دامداری اشتغال دارند. به‌طور کلی، می‌توان ادعا کرد که علیرغم اینکه اسکان دامداران در حال رشد است با توجه به نقش تحرک در حفاظت از تنوع زیستی، دامداری کوچندگی همچنان می‌تواند به مدیریت پایدار مراتع کمک کند، با این وجود، برخی راهبردهای حمایتی برای پایدار نگه‌داشتن این نظام در بلندمدت ضروری است. حدود ۱/۶۹ درصد دامداران نیمه‌کوچنده دارای بیش از ۲۰۰ رأس دام در نظام‌های تولید دام ساکن هستند و هیچ دامداری در این نظام دامداری با بیش از ۲۰۰ دام وجود ندارد (جدول ۳).

جدول ۳. تعداد خانوارهای دامدار و سهم شان از تعداد معینی از دام

سهم دامداران	تعداد دام	۲۰	۴۹-۲۰	۵۰-۹۹	۱۰۰-۱۹۹	۲۰۰-۴۰۰	۵۰۰	کل
دامداران متحرک (عشایر کوچنده) (درصد)	۱۸۹۰۰	(۱/۱۴)	۵۶۷۱۰	(۲/۷۲)	۳۷۴۶۰	(۱/۲)	۲۱۶۰	۱۸۰۰۰۰ (۱۰/۹۸)
دامداران نیمه متحرک (نیمه کوچنده) (درصد)	۲۰۰۰۰۰	(۱۲/۰۹)	۳۵۰۰۰	(۵/۸۲)	۶۱۸۴۳	(۱/۵)	۳۱۲۰	۷۳۶۰۰۰ (۴۴/۵۱)
دامداران ساکن (ثابت) (درصد)	۵۹۹۶۶۱	(۳۶/۲۷)	۷۱۰۱۰	(۳/۷)	۳۹۰۰	.	.	۷۳۷۳۶۰ (۴۴/۶۰)
کل (درصد)	۸۱۸۵۶۱	(۴۹/۵۰)	۴۷۷۷۲۰	(۱۲/۳۳)	۱۰۳۲۰۳	(۲/۷)	۵۲۸۰	۱۶۵۳۲۶۰ (۱۰۰)

منبع: برگرفته از Badripour و همکاران (۲۰۰۶) با تغییرات و اضافات

- معیشت‌های وابسته به دام در منابع مرتعی

در طول شش دهه گذشته مراتع با کاهش سطح به واسطه تغییر کاربری و کاهش توان تولید گیاهان مرتعی روبه رو شده است. در سال‌های گذشته جمعیت بهره‌بردار از مراتع کشور به علت تعطیلی مراکز دام‌پروری رو به ازدیاد است. پوشش گیاهی حاصل از اکوسیستم‌های طبیعی ۲۰/۸ درصد و اراضی کشاورزی ۵۲/۲ درصد از کل مواد مغذی قابل هضم را برای دام‌های موجود در کشور تامین می‌کند. در حالی که ۲۷ درصد با کمبود پوشش گیاهی برای تغذیه دام‌ها روبه رو می‌شوند که منجر به فشار و تخریب بر منابع تولید پوشش گیاهی، کاهش عملکرد سرانه دام، درآمد پایین و معیشت‌های غیراقتصادی پرورش‌دهندگان دام می‌شود (معمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

- معیشت‌های غیروابسته به دام در منابع مرتعی

تعداد واحد دامی زیاد که مکفی برای معیشت اقتصادی است منجر به تخریب مراتع می‌شود و تعداد واحد دامی اندک که از لحاظ اقتصادی قابل توجیه نیستند باعث اتلاف منابع مرتعی می‌شود. بنابراین به منظور تکمیل معیشت بهره‌برداران با تعداد واحد کم، زمینه توانمندسازی و اشتغال آن‌ها در سایر معیشت‌های مرتبط با مراتع چند منظوره از جمله بهره‌برداری از محصولات فرعی (گیاهان دارویی، صنعتی، آرایشی و بهداشتی و ...)، پرورش زنبور عسل، گردشگری و ... فراهم شود (معمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

- معیشت‌های غیروابسته به منابع ارضی غیرمرتعی

برخی از بهره‌برداران خرده‌پا با داشتن اراضی کشاورزی و باغی می‌توانند به منظور تکمیل معیشت خودشان برای کسب درآمد اقتصادی به این اراضی متصل شوند (جدول ۴ و ۵).

جدول ۴. وضعیت اراضی کشاورزی عشایر کشور در بیلاق و قشلاق (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷)

قشلاق		بیلاق		جمع اراضی	نوع کشت
سهم از کل (درصد)	وسعت	سهم از کل (۱ درصد)	وسعت		
۲۵/۲	۶۷۱۷۳	۲۵/۷	۴۷۰۵۸	۱۱۴۲۳۱	آبی
۳/۳	۸۸۲۲	۵/۲	۹۴۷۴	۱۸۲۹۶	اراضی زیرکشت (زراعت‌های دائمی)
۵۲/۵	۱۳۹۸۴۵	۴۹/۵	۹۰۶۷۶	۲۳۰۵۲۱	اراضی زیرکشت (زراعت‌های سالانه)
۰/۲	۶۶۸	۰/۸	۱۴۲۵	۲۰۹۳	اراضی زیرکشت (زراعت‌های دائمی)
۴/۴	۱۱۶۰۱	۶	۱۱۰۴۱	۲۲۶۴۲	آبی
۱۴/۴	۳۸۰۷۹	۱۲/۸	۲۳۵۳۲	۶۱۶۱۱	دیم
۱۰۰	۲۶۶۱۸۸	۱۰۰	۱۸۳۲۰۶	۴۴۹۳۹۴	جمع
۵۹/۲		۴۰/۸		۱۰۰	سهم قلمرو

منبع: اکبری و میزبان، ۱۳۸۳

جدول ۵. مساحت اراضی کشاورزی بهره‌برداری‌ها بر حسب نوع استفاده از زمین - عشایر دوره قشلاقی (هکتار)

کل کشور	جمع		زیرکشت محصولات سالانه		آبیش		باغ و قلمستان	
	آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم	آبی	دیم
۱۲۲۱۰۳	۲۶۳۶۸۱	۹۲۷۱۲	۲۶۰۵۳۶	۱۴۶۰۹	۷۲۲۷۵	۲۹۳۹۰	۳۱۴۵	

منبع: سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷

معیشت‌های غیروابسته به منابع ارضی

در حال حاضر مراتع برای تغذیه دام اهلی در حدود ۲۰۰ هزار خانوار با سرانه ۳۰۰ واحد دامی به منظور معیشت اقتصادی با درآمد متوسط کافی می‌باشد. در صورتی که استفاده از مراتع جوابگوی معیشت سایر بهره‌برداران به خصوص افرادی که فاقد منابع ارضی غیرمرتعی هستند، نمی‌باشد که در حال حاضر باعث فشار و تخریب زیاد بر مراتع می‌شود (معمدی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین به منظور تامین معیشت این افراد باید معیشت‌های غیرمرتبط با منابع برای آن‌ها فراهم گردد. از جمله معیشت‌های غیرمرتبط با منابع می‌توان به صنعت، حمل و نقل، کسب و کارهای خرد، و ... اشاره نمود.

چشم‌انداز معیشتی منطقه عشایری بازفت

در طول بیش از ۶۰ سال گذشته، مدیریت مراتع و شیوه زندگی دامداران به شدت تغییر کرده است. حتی داده‌های موجود مربوط به دامداران نشان می‌دهد که جمعیت آن‌ها طی ۱۵۰ سال تغییر کرده است. با این حال، بر اساس آخرین داده‌های موجود، تمرکز اصلی مطالعه حاضر بر تغییرات جمعیت برای دوره ۱۳۷۷-۱۳۸۷ در منطقه بازفت است. منطقه بازفت قرن‌ها محل سکونت دامداران بوده است. از نظر جمعیت دامداران و راهبرد معیشتی دامداری به عنوان یکی از مناطق استراتژیک ایران شناخته شده است.

براساس مطالعات اخیر (Khedrigharibvand, 2018; Khedrigharibvand et al., 2021)، جمعیت دامداران طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۷ از ۱۳۰۴۰۸۰ به ۱۱۸۶۸۳۰ میلیون کاهش یافته است. جمعیت دامداران منطقه بازفت طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ به ترتیب ۳۹۰۶۲ و ۱۷۹۲۰ نفر بوده است. همچنین تعداد خانوارهای دامداران به ترتیب ۵۷۷۱ و ۳۱۸۶ خانوار بوده است. در نتیجه از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ جمعیت دامداران و تعداد خانوارهای دامدار منطقه بازفت به نصف کاهش یافت (جدول ۶). استدلال شده است که دلیل اصلی این کاهش به دلیل اسکان مجدد یا مهاجرت به شهرهای بزرگ بوده است که مطالعات در سایر مناطق جهان نیز چنین استدلالی داشته‌اند و بر این مهم تأکید کرده‌اند (هوم وود، ۲۰۰۴؛ سنگ و همکاران، ۲۰۰۴). مهاجرت یا اسکان مجدد به‌تنهایی نمی‌تواند معیشت پایدار را برای جمعیت باقیمانده ایجاد کند بلکه می‌تواند به ایجاد تعادل و کاهش فشارهای وارده بر مراتع کمک کند (Khedrigharibvand, 2018)؛ به‌عبارت‌دیگر، حتی اگر بتوان این تعادل را ایجاد کرد، دستیابی به معیشت پایدار برای بهره‌برداران مرتع همچنان یک موضوع مهم است. دامداری سنتی به عنوان مهم‌ترین

جایگزین معیشت در دهه‌های گذشته در منطقه شناخته شده است. با این حال، به دلیل کاهش سطح منابع طبیعی و افزایش رشد جمعیت، می‌توان سایر جایگزین‌های معیشتی مناسب را ترویج و توسعه دهد (Homewood, 2004; Stafford Smith et al., 2009).

جدول ۶. سهم جمعیت عشایر در سطوح مختلف منطقه‌ای، استانی و کشوری ۱۳۷۷-۱۳۸۸

سال	سطح	جمعیت (۱۰۰۰ نفر)	خانوار (۱۰۰۰ نفر)
۱۳۷۷	کشور	۱۳۵۴/۰۸۰	۱۹۳/۱۹۹
	استان	۱۸۳/۱۶۵	۲۷/۴۹۲
	منطقه بازفت	۳۹/۰۶۲	۵/۷۷۱
۱۳۸۷	کشور	۱۱۸۶/۸۳۰	۲۱۲/۲۶۰
	استان	۹۶/۰۳۹	۲۰/۶۸۹
	منطقه بازفت	۱۷/۹۲۰	۳/۱۸۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

نتیجه‌گیری

این مطالعه مروری بر نتایج مطالعات اخیر در زمینه‌ی مدیریت پایدار مراتع می‌باشد. در مطالعات اخیر، مدیریت پایدار مراتع برای تضمین بهره‌وری بلندمدت مراتع و تأمین پایداری معیشت بهره‌برداران مفهوم‌سازی شده است؛ به این معنا که علاوه بر تعادل دام، مرتع و انسان، سایر معیشت‌ها - خصوصاً تنوعی از معیشت‌های وابسته به دام در منابع مرتعی، غیروابسته به دام در منابع مرتعی، غیروابسته به منابع ارضی غیرمرتعی، غیر وابسته به منابع ارضی و در نهایت مهاجرت نیز به‌عنوان یک گزینه معیشتی - به رسمیت شناخته شده است. در این دیدگاه مدیریت پایدار مراتع در صورتی تحقق خواهد یافت که ضمن حفظ تعادل دام، مرتع و انسان تنوعی از معیشت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شوند. بی‌شک چنین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به زیربنای نظریه مبتنی بر شرایط هر منطقه و زمینه فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی آن‌ها وابسته است و اینکه تغییر و تحولات خصوصاً شرایط متغیر محیطی، تغییرات اقلیم و... نیز مدنظر قرار گیرد، در این راستا اهمیت حیاتی دارد. لذا توسعه چنین دیدگاهی می‌تواند پایداری مراتع و معیشت جوامع محلی خصوصاً بهره‌برداران محلی را تضمین کند که دور از دسترس نیست و قابل تحقق است.

بی‌شک بی‌توجهی به مدیریت پایدار مراتع و نظام‌های تولید دام در شرایط فعلی معیشت بهره‌برداران مرتعی را در معرض تهدید قرار داده و با چالش مواجه کرده است. عدم تعادل بین انسان، دام و مرتع (برخاسته از تعداد دام بیش از ظرفیت مرتع) و کاهش سهم محصولات دامی از چالش‌هایی است که مدیریت پایدار مرتع با آن مواجه است. در صورت عدم تمهیدات لازم برای حمایت انواع نظام‌های دامداری، با توجه به شرایط و مناطق هرکدام به نفع دیگری می‌تواند از گردونه خارج شوند و در ادامه و سال‌های آتی که نیاز حیاتی و ضروری جامعه (در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی) به محصولات و تولیدات سالم دامی است که امنیت غذایی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ناامنی غذایی یکی از چالش‌های عمده بی‌توجهی به سیستم تولید دام سالم و پایدار و عدم توجه به جامعه عشایری به‌عنوان یکی از سه رکن جمعیتی کشور و بخش تأثیرگذار در تولید و اقتصاد ملی و مدیریت پایدار مراتع خواهد بود. لذا در این راستا برنامه‌ریزی در راستای مدیریت نظام‌های تولید متنوع با توجه به شرایط هر منطقه و برنامه‌ریزی واقعی برای مدیریت پایدار مبتنی بر معیشت پایدار جوامع محلی ضرورت حیاتی دارد.

با توجه به نتایج ارائه شده و روند کاهش سطح و بهره‌وری مراتع و همچنین آسیب‌پذیری بهره‌برداران مرتعی، در شرایط فعلی نیاز ضروری به دیدگاه جامع جدیدی است که ضمن تضمین بهره‌وری مراتع و معیشت‌های پایدار، از کلیه پتانسیل‌های منطقه‌ای در راستای مدیریت پایدار مرتع بهره‌برداری شود. در زمینه‌ی استان چهارمحال و بختیاری و به‌طور خاص منطقه بازفت مطالعات آینده بر توسعه پایدار منطقه‌ای و در راستای مدیریت پایدار منابع مرتعی با تضمین معیشت پایدار را مورد توجه قرار دهند. علاوه بر این، با توجه به تأثیر قوانین، سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته تاکنون در زمینه‌ی مدیریت مراتع و امور عشایر مطالعات جامعی باید جنبه‌های مختلف آن‌ها را مورد مذاقه و بررسی قرار دهند. مطالعه در زمینه‌ی فرصت‌ها و چالش‌های این سیاست‌ها و قوانین، سیاست‌ها و اقدامات اعم از اصلاحات ارضی و ملی شدن جنگل‌ها و مراتع و همچنین اثرات سیاست‌ها و قوانین دوره‌های بعد از انقلاب اسلامی از جمله اسکان عشایر و سایر اقدامات حمایتی و تأمینی ضمن اینکه سهم

آن‌ها را در مهار یا تشدید تخریب مراتع و آسیب‌پذیری معیشت بهره‌برداران را تعیین می‌کند به تحقق راهکارها و راهبردهای مدیریت و معیشت پایدار مراتع نیز کمک خواهد کرد.

منابع

- اکبری، علی و میزبان، مهدی. ۱۳۸۳. درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران. فصلنامه مطالعات ملی؛ ۱۷، سال پنجم، شماره ۱، صص ۹-۴۴.
- عابدی سروسناتی، احمد. ۱۳۹۳. واکاوی کوچ زودرس بهاره عشایر استان فارس. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳، شماره پیاپی ۱۱۵، ۴۱-۲۷ صص
- مرکز آمار ایران. ۱۳۸۸. سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۸۸. سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷.
- مصادقی، منصور. ۱۳۷۲. مرتع‌داری در ایران. بنیاد فرهنگی رضوی. چاپ اول. ۲۱۸ ص.
- معمدی، جواد، جلیلی، عادل، ارزانی، حسین و حدادلی، مرتضی. ۱۳۹۹. علل تخریب مراتع در کشور و راهکارهای برون رفت از وضعیت پیش آمده. طبیعت ایران. جلد ۵، شماره ۴، پیاپی ۲۳، ۴۴-۲۱ صص.
- Azkiya, M., and Hooglund, E. (2011). Rural Development in Contemporary Iran 1950-2010. *IAU International Journal of Social Sciences*, 1 (3), 223-239.
- Badripour, H., Eskandari, N., and Rezaei, S. A. (2006). Rangelands of Iran, an overview. *Ministry of Jihad-e-Agriculture, Forest, Range and Watershed Management Organization, Technical Office of Rangeland: Tehran, Iran.* [In Persian].
- Bedunah, D. J., and Angerer, J. P. (2012). Rangeland degradation, poverty, and conflict: how can rangeland scientists contribute to effective responses and solutions? *Rangeland Ecology and Management* 65, 606-612.
- Bernues, A., Riedel, J. L., Asensio, M. A., Blanco, M., Sanz, A., Revilla, R., and Casasús, I. (2005). An integrated approach to studying the role of grazing livestock systems in the conservation of rangelands in a protected natural park (Sierra de Guara, Spain). *Livestock Production Science*, 96 (1), 75-85.
- Boone, R. B., K. A. Galvin, S. B. BurnSilver, P. K. Thornton, D. S. Ojima, and J. R. Jawson. (2011). Using coupled simulation models to link pastoral decision-making and ecosystem services. *Ecology and Society*, 16 (2): 6. [Online] URL: <http://www.ecologyandsociety.org/vol16/iss2/art6/>.
- Centre for Sustainable Development (CENESTA). (2003). Reviving nomadic pastoralism in Iran. Facilitating sustainability of biodiversity and livelihoods— A learning by doing project.
- Centre for Sustainable Development (CENESTA). (2004). The role of local institutions in reducing vulnerability to recurrent natural disasters and in sustainable livelihoods development. Case study: The role of Qashqai nomadic communities in reducing vulnerability to recurrent drought and sustainable livelihoods development in Iran.
- FAO (2001). Pastoralism in the new millennium. FAO Animal Production and Health Paper 150. Rome, Italy.
- FAO. (1987). Improving productivity of Dryland areas. Committee on Agriculture (Ninth session). FAO, Rome. <http://www.fao.org/docrep/meeting/011/ag415e/ag415e04.htm#4.1>
- Homewood, K. M. (2004). Policy, environment and development in African rangelands. *Environmental Science and Policy*, 7, 125-143.
- Khedrigharibvand Hojatollah, Azadi Hossein, Ebrahimi Ataollah, Tahmasebi Pejman and Witlox Frank. 2021a. A historical and statistical review on rangelands and pastoralists in the context of Iran. The 1st International and the 8th National Conference on Rangeland Management in Iran.
- Khedrigharibvand, H. (2018). *Sustainable rangeland management in Iran: towards a policy-oriented decision-support model* (Doctoral dissertation, Ghent University).
- Khedrigharibvand, H. Azadi, H., & Witlox, F. (2015). Exploring appropriate livelihood alternatives for sustainable rangeland management. *The Rangeland Journal*, 37(4), 345-356.
- Klein, J. A., Fernández-Giménez, M. E., Wei, H., Changqing, Y., Du Ling, D. D., and Reid, R. S. (2011). A participatory framework for building resilient social-ecological pastoral systems. In: Restoring Community Connections to the Land: Building Resilience through Community-based Rangeland Management in China and Mongolia. (Ed. M. E. Fernández- Giménez.), pp. 3-36. (CABI: Wallingford, UK).
- Nkedianye, D., Radeny, M., Kristjanson, P. and Herrero, M. (2008). Assessing returns to land and changing livelihood strategies in Kitengela. In: Homewood, K., Trench, P., Kistjanson, P and Radeny, M (Editors). *Changing Land Use and Livelihoods in Maasailand*. Springer, Germany (in press).

- Stafford Smith, M., Abel, N. O., Walker, B. H., and Chapin, F. S. (2009). Drylands: coping with uncertainty, thresholds, and changes in state. *In: 'Principles of ecosystem stewardship: resilience-based natural resource management in a changing world.* (Eds F. S. Chapin, III, G. P. Kofinas and C. Folke.), pp. 171-195. (Springer-Verlag: New York, USA).
- Weibel, D. (2010). Health and demographic surveillance in Sahelian mobile livestock production systems. Ph.D. dissertation, University of Basel, 108 pp.



How to Cite:

Khedri Gharibvand, Hojjatollah, Tahmasebi Kohyani, Pejman, Ghehsareh Ardestani, Elham, Badripour, Hossein and Asadi, Ismail. (2022). Demographic changes and livelihood developments of rangeland users in Iran with emphasizing the Pastoralists territory, Bazoft, Chaharmahal va Bakhtiari province. *Studies of Nomads Area Plannig*, 2(1), 1-12.

ارجاع به این مقاله:

خدیری غریب‌وند، حجت‌اله، طهماسبی کهیانی، پژمان، قهساره‌اردستانی، الهام، بدری‌پور، حسین و اسدی، اسماعیل. (۱۴۰۱). تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری، بافت، استان چهارمحال و بختیاری (بخش دوم). *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۲(۱)، ۱-۱۲.

Review Article

Demographic changes and livelihood developments of rangeland users in Iran with emphasizing the Pastoralists territory, Bazoft, Chaharmahal va Bakhtiari province

Hojjatollah Khedri Gharibvand * - Assistant Professor, Department of Natural Engineering, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Pejman Tahmasebi Kohyani - Associate Professor, Department of Natural Engineering, Shahrekord University, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Elham Ghehsareh Ardestani - Assistant Professor, Department of Natural Engineering, Shahrekord University, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Hossein Badripour-Deputy Director General for International Affairs, Natural Resources and Watershed Management Organization (NRWO), Tehran, I.R. Iran.

Ismail Asadi - Associate Professor, Department of Natural Engineering, Shahrekord University, Faculty of Natural Resources and Earth Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Receive Date: 14 April 2022

Accept Date: 09 July 2022

ABSTRACT

Introduction A historical review of the evolution of demographic developments and livelihood changes in rangeland users could help to better understand the desired strategies. It could also provide livelihood alternatives and feasible policy frameworks in order to improve rangeland status and overcome crises and challenges facing sustainable rangeland management. **Purpose of the research:** : In line with tribal affairs and the status of their rangeland-dependent livelihoods, four main aims are examined. First, a historical assessment of the evolution of demographic changes is presented (1). Subsequently, livestock production systems are described (2). Then, the situation of rangeland-dependent livelihoods in Iran is explained (3). Finally, while presenting the livelihood perspective in Chaharmahal va Bakhtiari province and in particular, Bazoft, suggestions for sustainable rangelands management are presented (4).

Methodology This paper evaluates the data and information of historical periods by reviewing historical sources in the field of pastoralists livelihoods and tribal affairs of Iran.

Geographical area of research Demographic changes and livelihood developments of rangeland users, and by reviewing sources in the field of rangeland management, the paper evaluates the data and information of periods.

Results and discussion The results of summarizing and reviewing the resources show that the imbalance between humans, livestock and rangeland and reducing the share of livestock products are the main challenges of sustainable rangeland management in Iran.

Conclusion In this regard, it is necessary to pay attention to a comprehensive perspective that could use all the potentials of the region for sustainable rangeland management. Sustainable rangeland management would be achieved while maintaining a balance between livestock, rangeland and humans to a variety of livelihoods in order to develop the complementary livelihoods of rangeland users in planning and policy making. Future studies could explain the shortcomings (weaknesses) of policy in the context of sustainable rangeland management and then, develop a policy-oriented livelihood framework.

KEYWORDS: Rangeland, Sustainable Livelihood, Policy Making, Sustainable Regional Development, Chaharmahal and Bakhtiari, Bazoft